

اهالی محله بالاخیابان از برخی طرح‌های ترافیکی خیابان شهید کامیاب گلایه دارند

کوچه‌های بسته‌ای که بن بست نیست!

هم قدم

فرعی و سردرگم شدن مردم می‌شود.

● طرح‌های ترافیکی، موافق یا مخالف؟

علی معمریان، یکی از کسبه قدیمی خیابان کامیاب، از اجرای این طرح‌ها ناراضی است و می‌گوید: وقتی حاشیه خیابان پارک ساختند، مغازه‌ها از کنار خیابان فاصله گرفت و مشتری کم شد. بعد هم آمدند کوچه‌ها را یکی در میان یک طرفه کردند. فکر نمی‌کنم با این کارها ترافیک کم شده باشد.

مسعود کباری در حاشیه خیابان کامیاب سوبیت دارد و سروکارش با مسافراست. او بانظر معمریان مخالف است و می‌گوید: احداث

نجمه موسوی کاهانی در گذشته، کوچه‌های شهید کاشانی به خیابان کامیاب راه داشت و مردم به راحتی از هر کدام از کوچه‌های توانستند بین دو خیابان تردد کنند. در چند سال گذشته با اجرای پروژه‌هایی مانند پارک خطی کامیاب و سنگ فرش شدن مسیر کامیاب ۱۰، تعدادی از این کوچه‌ها مسدود و تعدادی نیز یک طرفه شد. برخی اهالی قدیمی ثامن هنوز به این تغییرهای ترافیکی عادت نکرده‌اند و به بعضی از آن‌ها انتقاد دارند. به دنبال چندین تماس مردمی با سامانه ۱۳۷ به این خیابان رفتیم تا مشکل را از زبان اهالی محل بشنویم.

● سردرگم شدن در کوچه‌های قدیمی

اصغر عابدی یکی از ساکنان قدیمی خیابان شهید کاشانی، می‌گوید: از سمت شهید کاشانی به شهید کامیاب ۱۰ یک طرفه است، کامیاب ۸ و ۶ پشت پارک خطی است و از سمت شهید کامیاب مسدود است اما از شهید کاشانی به کاندرو کامیاب راه دارد. با این حال تابلو بن بست در سمت خیابان کاشانی ۵ به ۷ نصب نشده و خودروها به اشتباه وارد این کوچه‌ها شده و مجبور می‌شوند مجدداً دور بزنند. عابدی به پیچ در پیچ بودن کوچه‌های قدیمی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: همین دور زدن‌های بی‌هوده باعث شلوغی کوچه‌های



پارک خطی خیلی برای مسافران خوب شد؛ چون می‌توانند در مدتی که منتظر تاکسی اینترنتی هستند آنجا استراحت کنند ولی مشکل، نبود تابلوهای ترافیکی راهنما در کوچه‌هاست. کباری ادامه می‌دهد: تاکسی‌ها در کوچه‌ها گم می‌شوند و مسافر هم که کوچه‌های مشهد را بلد نیست، گاهی مدت زیادی معطل می‌شوند.

● همه کوچه‌ها تابلو ترافیکی دارد

رئیس اداره ترافیک و فنی و عمران شهرداری منطقه ثامن درباره تابلوهای ترافیکی این دو خیابان می‌گوید: در ورودی همه کوچه‌های کامیاب، تابلوهای ترافیکی داریم که نشانگر بن بست یا یک طرفه بودن مسیر است.

محمد حسین باغدار ادامه می‌دهد: در خیابان کاشانی نیز همین‌طور است؛ کوچه‌های بن بست و یک طرفه تابلو دارند اما کوچه‌های کاشانی ۵ و ۷ مسدود نیستند و به لاین کاندرو کامیاب راه دارند.

او با اشاره به اینکه نمی‌توان برای کوچه‌هایی که مسدود نیستند، تابلو بن بست نصب کرد، ادامه می‌دهد: این طرح‌ها مصوب سازمان ترافیک بوده و در کاهش ترافیک محدوده اطراف حرم تأثیر زیادی داشته است. در ابتدای اجرای هر طرح، افرادی که به تردد در مسیرهای قدیمی عادت داشته‌اند، کمی با مشکل مواجه می‌شوند اما به مرور زمان به مسیرهای جدید عادت می‌کنند.

جوان محله پایین خیابان در کودکی حافظ کل قرآن شد و مقام سوم مسابقات استانی را به دست آورد

امید محله

حفظ قرآن به عشق دو چرخه

● همه قرآن را خودت

به تنهایی و بدون رفتن به کلاس یا دوره‌ای حفظ کردی؟

چهل آیه از اول سوره بقره را خودم حفظ کردم. بعد یکی از آشناها مؤسسه قرآن «آل عترت نسیم امام رضا (ع)» را معرفی کرد. سرعت یادگیری ام برای دیگران جالب بود. از کلاس سوم سه سال و نیم طول کشید که قرآن را کامل کردم و نیمه‌های کلاس هفتم حافظ کل قرآن شدم.

● در مسابقات شرکت می‌کردی؟

از دوران ابتدایی در همه مسابقات ناحیه شرکت می‌کردم و اول می‌شدم، اماضعفی که در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد، این است که در مقطع ابتدایی، مسابقات از سطح ناحیه بالاتر نمی‌رود. تا ناحیه اول می‌شدم و تمام. در دوره متوسطه کلاس هشتم بودم که در مسابقات حفظ استانی مقام سوم را آوردم و به خاطر درس از فضایی

مسابقات فاصله گرفتم.

سال قبل برنده شده بودم و به مادرم گفتم من باید این جایزه را ببرم. در کمتر از ۶ ماه تمام جزء را حفظ کردم و دوباره برنده دو چرخه شدم.

● برای حفظ بقیه قرآن هم دو چرخه گرفتی؟

وقتی جزء آخر را حفظ کردم، به قرآن علاقه مند شده بودم و جایزه برایم مهم نبود. دوستان صمیمی ام می‌گفتند برویم در کوچه بازی کنیم ولی من نمی‌توانستم پای قرآن. مادرم وقتی دید علاقه دارم گفت: «حالا که یک جزء حفظ کرده‌ای، بیا و از جزء اول شروع کن.» تا هر جاتوانستی پیش بروی، خوب است.

● اگر جایزه نمی‌گرفتی، با چه چیزی تشویق می‌شدی که از تمرین طولانی مدت خسته نشوی؟

وقتی با آن سن کم، سوره‌های طولانی قرآن را می‌خواندم، مادر بزرگ و دایی و خاله، قربان صدقه‌ام می‌رفتند و به من جایزه‌های کوچک می‌دادند. همین باعث می‌شد کلی ذوق کنم و بیشتر وقت بگذارم تا زودتر بقیه سوره‌ها را حفظ کنم. اما بعد از سال چهارم دیگر واقعاً جایزه و تشویق دیگران برایم مهم نبود و فقط خود قرآن برایم اهمیت داشت. مادرم همیشه می‌گفت «خودت یک ماشین خودکار شده‌ای.»

نجمه موسوی کاهانی اوقتی مادر نیمادست‌اورا گرفت و در مهد قرآن ثبت نام کرد. فکر نمی‌کرد یک دو چرخه انگیزه‌ای شود برای فرزندش که سوره‌های قرآن را یکی پس از دیگری یاد بگیرد و آن قدر به حفظ قرآن علاقه مند شود که با سرعتی باور نکردنی حافظ کل شود. نیمه‌ای، جوان محله پایین خیابان، با حفظ قرآن و کسب چندین رتبه شهری و استانی، قرآن را بخش جدانشدنی زندگی اش می‌داند و با وجود تسلط کامل هنوز به صورت روزانه آیات را مرور می‌کند.

● حفظ قرآن را با چه سوره‌ای شروع کردی؟

شش ساله بودم که مادرم من را برد به مهد کودکی در خیابان طبرسی، دو کوچه بالاتر از خانه مان. اولین سوره‌هایی که حفظ کردم چهار قل بود. بچه بودم و حتی حفظ سوره‌های کوتاه برایم خیلی سخت بود. اما وقتی یک جایزه تعیین کردند، تشویق شدم که برای حفظ وقت بگذارم.

● جایزه چه بود که برایت انگیزه شد؟

سیزده سوره از جزء ۳ مشخص کردند و یک دو چرخه آبی هم به عنوان جایزه گرفتند. خوب یادام است به خاطر به دست آوردن دو چرخه سخت تلاش می‌کردم که سوره‌ها را یکی پس از دیگری حفظ کنم. با کمک مادرم، توانستم در مسابقه‌ای که بین چندین نفر از بچه‌ها برگزار شد، جایزه نفر اول را ببرم.

● از همان جا حفظ قرآن را ادامه دادی؟

اتفاقاً یک سال هیچ سوره‌ای حفظ نکردم؛ چون وارد مدرسه شده بودم و درس‌های کلاس اول به اندازه کافی من را مشغول کرده بود، اما سال دوم ابتدایی بودم که خیلی پیدا شد و چهار دو چرخه داد به مدرسه تا به افرادی که جزء ۳ را به طور کامل حفظ کنند، جایزه بدهند. من بادی این دو چرخه‌ها یاد همان دو چرخه آبی افتادم که دو

